

روزنه

آیت‌الله جنتی:

دادگاه مجرمان اقتصادی باید علنی و سریع باشد

● **ایلتا:** دبیر شورای نگهبان با تأکید بر اینکه قضات دادگاه مجرمان اقتصادی نباید تهدید و تطمیع‌پذیر باشند گفت: این دادگاه‌ها باید علنی، قاطع و سریع‌النتیجه باشد. آیت‌الله جنتی در ابتدای نشست هفتگی این شورا، با اشاره به ضرورت به‌کارگیری مؤلمان انقلابی در سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه برای مبارزه با فساد و مفسد، اضافه کرد: در مواقع اضطرار، انقلابی عمل‌کردن عین قانون است و گاهی برای مقابله با فساد، روال عادی مبارزه، نتیجه‌بخش نیست. آیت‌الله جنتی در پایان با تشکر از اقدام اخیر رئیس قوه قضائیه در ارائه طرح جدید دادگاه‌های مبارزه با فساد اقتصادی و تأکید بر نقش حساس و اهمیت کارکرد قوه قضائیه در مقطع کنونی، گفت: برای اینکه احکام قضائی مجرمان اقتصادی در طول مسیر رسیدگی و اجرا فلج نشود، باید دادگاه‌های مجرمان اقتصادی، علنی و سریع باشد و در این زمینه قضاتی انتخاب شوند که تهدید و تطمیع مفسدان اقتصادی بر آنان مؤثر واقع نشود تا به‌سرعت به نتیجه برسد.

روزنه

ادامه از صفحه ۶

پاسخ «محمود صادقی» به یک یادداشت

ایمن در حالی است که از وزیر امور خارجه دولت احمدی‌نژاد نقل شده که به سهم ۱۱ درصدی ایران تن داده‌اند. ۳- با توجه به این پیشینه با نزدیک‌شدن اجلاس اکتائو افکار عمومی به صورت گسترده نسبت به نتایج این اجلاس نگران شد. نگرانی‌هایی که نشانگر عرق ملی و حساسیت مردم، با همه گرایش‌ها و سلاقی، نسبت به تمامیت ارضی میهن عزیزمان ایران است. به‌ویژه اینکه از مفاد توافقاتی که قرار بود در این اجلاس امضا شود اطلاع دقیقی در دست نبود و گفته می‌شد متن آن یک‌بار در سایت وزارت خارجه روسیه قرار داده شده و بعدا حذف شده است. بسیاری از صاحب‌نظران نیز با توجه به شرایط بین‌المللی و فشارهای سیاسی ناشی از پیمان‌شکنی ایالات متحده و بازگشت تحریم‌های ظالمانه، شرایط کنونی را برای امضای توافقی پیرامون رژیم حقوقی دریای خزر مناسب نمی‌دانستند. پیرو ابراز نگرانی گسترده و تماس‌های انبوه مردم، این‌جانب برای اطلاع از جزئیات امر با رئیس محترم کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تماس گرفتم که ایشان ابراز بی‌اطلاعی کردند و مرا به دو نفر از نمایندگان عضو کمیته تخصصی رژیم حقوقی دریای خزر ارجاع دادند. متأسفانه آن دو همکار محترم نیز در جریان مذاکرات جاری نبودند. بسیاری از نمایندگان نیز با توجه به اینکه نهایت کنوانسیون باید به تصویب مجلس برسد کنجکاو و بیگیری‌های مرا بی‌جا می‌دانستند. این وضعیت مهم و بی‌اطلاعی بر نگرانی‌های من افزود. ازاین‌رو با انتشار توییت نگرانی‌های خود را ابراز کردم تا مگر از این طریق مسئولان محترم درصدد پاسخ‌گویی به افکار عمومی برآیند. البته من هم مانند یادداشت‌نویس محترم قبول دارم که بی‌اطلاعی مجلس یا نماینده‌ای از توافق درباره یک پهنه آبی کشور که به معنای خاک سرزمین است، جای سرافکندگی دارد. اما این سرافکندگی را متوجه سیستمی می‌دانم که نمایندگان مردم را محرم نمی‌داند و حتی کمیسیون و کمیته تخصصی ذریط را در جریان موضوعی با این اهمیت قرار نمی‌دهد. ازاین‌رو به خود حق دادم که این بی‌اطلاعی را با مردم در میان بگذارم و به تعبیر زنده نویسنده محترم آن را «در بوق و کرنا» کنم و به مکتلام وضعیت مجلسی را که به گفته امام و رهبری باید در رأس امور باشد اعلام کنم. ضمن اینکه عبارات من درباره قدرالسهم ایران و تشبیه آن به عهدنامه ترکمانچای برخلاف متن نویسنده محترم استقامی بود نه خبری.

۴- البته همانطور که وزارت امور خارجه توضیح داده و در مواد ۷ و ۸ کنوانسیون نیز تصریح شده تعیین حدود آب‌های داخلی و سرزمینی و حدود بستر و زیربستر دریای خزر، مسکوت گذاشته شده است. اما این سکوت برخلاف توقع وزارت خارجه بر نگرانی‌ها می‌افزاید. زیرا مهم‌ترین عنصر رژیم حقوقی یک منطقه تحدید حدود آن است و با توجه به عدم توازن بین طرف‌ها موکول‌کردن آن به توافقات‌های بعدی این هم بین کشورهای با سواحل مجاور و مقابل جای حساسیت و نگرانی دارد. با این اوصاف معلوم نیست وزارت محترم خارجه چگونه ادعای نهایی‌شدن ۹۰ درصد از کنوانسیون را کرده است. ظاهرا ملک درصذبندی طول عبارات متن است نه اهمیت موضوعات. این کنوانسیون از آن جهت که دذری از قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نکرده نیز قابل انتقاد است. البته اعتبار این سند مطابق اصل ۷۷ و ۷۸ قانون اساسی منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است. انتظار می‌رود حقوقدانان محترم با واکاوی و نقد و تحلیل ابعاد مختلف آن نمایندگان مجلس را در تصمیم‌گیری بنایسته در جهت منافع و مصالح ملی یاری رسانند.»

politics@sharghdaily.ir

شرق: انگلیس به تحریم‌های آمریکا علیه ایران نمی‌پیوندد؛ خبری که دیروز دفتر مطبوعاتی وزارت خارجه انگلیس اعلام کرد و نشان از پافشاری اروپایی‌ها به مواضعشان در مورد برجام دارد. همین چند روز قبل بود که رابرت وود جانسون، سفیر آمریکا در بریتانیا، در یادداشتی از لندن خواست تا از تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران حمایت کند تا فشار بیشتری بر ایران وارد شود، اما انگلیس همچنان همسو با اتحادیه اروپا در راستای حفظ برجام به سیاست‌های خود ادامه داد. به گزارش «ایسنا»، وزارت خارجه انگلیس ضمن مخالفت با درخواست آمریکا برای پیوستن به تحریم‌ها علیه ایران اعلام کرد که لندن به توافق هسته‌ای با ایران پایبند می‌ماند. دفتر مطبوعاتی وزارت خارجه انگلیس درعین‌حال اعلام کرده در کنار پایبندی به برجام، به‌طور هم‌زمان آماده است تا درباره همکاری با دولت آمریکا و ننگره درباره فعالیت‌های ایران که برای هر دو طرف موجب نگرانی است، بحث و رایزنی کنند. به نظر می‌رسد این بخش از بیانیه وزارت خارجه انگلیس به فعالیت‌های منطقه‌ای ایران برمی‌گردد؛ موضوعی که انگلیس با وجود حمایت از برجام همواره درباره آن با آمریکا هم‌نواپی کرده است. محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، در همین زمینه به شبکه الجزیره گفته بود: «تحریم‌ها و تهدیدات آمریکا باعث نمی‌شود که ایران سیاستش در منطقه را تغییر دهد. هرگونه گفت‌وگو با واشنگتن نیازمند این است که دولت آمریکا به دیگران احترام بگذارد و تحریم‌ها را متوقف کند.»

پشتیبانی اتحادیه‌اروپا ادامه دارد

اروپا همچنان از همراهی با آمریکا در تحریم‌های ضدایرانی جدید

دیپلماسی

مخالفت لندن با درخواست آمریکا برای اجرای تحریم‌های ضدایرانی

این کشور امتناع می‌کند. در بیانیه وزارت خارجه انگلیس یک‌بار دیگر بر حمایت این کشور در برابر اقدامات تحریمی واشنگتن از شرکت‌هایی که با تهران همکاری می‌کنند، تأکید شده است. این را حدود ۱۰ روز پیش یکی از مقامات بلندپایه وزارت خارجه انگلیس نیز گفته بود. آلېستېر برت گفته بود که از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌های آمریکا علیه ایران محافظت می‌شود. مشابه این موضع را چند روز بعد دولت سوئیس نیز اعلام کرد. دولت این کشور با ابراز تأسف نسبت به اقدام آمریکا برای وضع مجدد تحریم‌ها علیه ایران به شرکت‌های سوئیسی توصیه کرد که روابط تجاری و اقتصادی خود با جمهوری اسلامی را دنبال کنند. اتحادیه اروپا نیز که از لحظه خروج آمریکا از برجام به حمایت از توافق هسته‌ای پرداخته، همچنان روی سیاست‌های خود در قبال ایران پایبند مانده است. آخرین رایزنی وزیر خارجه ایران با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز در همین ماه جاری در سنگاپور انجام شد. در این نظریه و فدریکا موگرینی آخرین تحولات و اقدامات انجام‌شده در سطح اتحادیه اروپا و جهان برای بهره‌مندی ایران از مزایای برجام پس از خروج غیرقانونی آمریکا از آن را بررسی کردند. همان وقت محمدجواد ظریف در صفحه توییتر خود از اجماع جهانی برای حفظ برجام خبر داد. او نوشت: «با رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه سنگاپور و وزرای خارجه چین، نیوزیلند، استرالیا و اندونزی دیدار کردم. اجماع جهانی روشنی در ضرورت انجام اقدامات هماهنگ برای حفظ برجام وجود دارد.» صحبت‌های موگرینی در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با وینستون پیترز، وزیر خارجه زلاندنو، نیز گواهی بر حرف‌های ظریف بود. به گزارش «اسپوتنیک» موگرینی در

مقاله‌ای از وندی شرمن، مذاکره‌کننده ارشد آمریکا در جریان برجام

چگونه با ایران به توافق رسیدیم

اوباما دستور داد تا بمبی جدید با وزن ۳۰ هزار پوند برای تخریب تأسیسات فردو ساخته شود



پیش‌نویس

باعث تغییر رفتار ایران نشد، حملات نظامی هم نمی‌توانست معجزه کند... . حملات هوایی احتمالا به‌ترین گزینه برای به‌عقب‌راندن برنامه هسته‌ای ایران بود؛ اما نمی‌توانست به پروژه هسته‌ای ایران پایان دهد». شرمن در ادامه مدعی شد: «مباران هوایی تأسیسات هسته‌ای ایران می‌توانست تأخیری سه تا پنج‌ساله در برنامه‌های هسته‌ای ایران ایجاد کند؛ اما در مقابل مسئولان این کشور را بیش‌ازپیش مجاب می‌کرد تا برای تأمین امنیت کشورشان تلاش‌های خود برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را شدت بخشند».

معاون سابق وزارت خارجه آمریکا در ادامه نوشته که «اوباما این توهم را نداشت که ایرانی‌ها به‌سادگی حاضر خواهند بود برنامه هسته‌ای خود را که با صرف هزینه به پیش بردند، نباود کنند. براساس این او دست به اقدامی یک‌جانبه برای جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران زد. در سال ۲۰۱۱ روزنامه نیویورک‌تایمز گزارش داد که ویروسسی کامپیوتری با نام «استاکس‌نت»، وارد شبکه‌های سازمان انرژی اتمی ایران شده و در فعالیّت سانترفیوژ‌های تولیدکننده اورانیوم خلل ایجاد کرده است. اوباما همچنین دستور داد تا بمبی جدید با وزن ۳۰ هزار پوند (۱۳۰۶ تُن) برای تخریب تأسیسات زیرزمینی غنی‌سازی فردو ساخته شود. هم‌زمان دولت آمریکا تحریم‌های اقتصادی علیه تهران را شدت بخشید و بسیاری از کشورها را مجاب کرد تا نفت ایران را خریداری نکنند. هدف نهایی اوباما تهدید مسئولان ایران نبود؛ بلکه او می‌خواست برای مذاکره به آنها فشار بیاورد».

به دنبال جواب مثبت

شرمن افزوده که «سپتامبر سال ۲۰۱۳ و در مجمع عمومی سازمان ملل برای نخستین‌بار رسماً با دو دیپلمات ایرانی به نام‌های عباس عراقچی و مجید تخت‌روانچی دیدار کردم. کمی قبل آن حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران به پیروزی رسیده بود و جواد ظریف را به‌عنوان وزیر امور خارجه معرفی کرد. جواد ظریف دانشجوی دانشکاه اقتصاد آمریکا می‌شد؛ بلکه امکان دستیابی به توافق را بین‌الملل را از دانشگاه دنور دریافت کرده بود. او یک انقلابی متعهد بود. به‌عنوان یک دانشجو در جریان اشغال کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو و اخراج دیپلمات‌های ایرانی نقشی مؤثر داشت. بااین‌حال به آمریکا یک‌هوا مشکلی نداشت. در اوایل دهه ۸۰ میلادی ظریف به‌عنوان یک دیپلمات مجدداً به آمریکا بازگشت و سپس تا سمت سفیر ایران در سازمان ملل ارتقا یافت». او ادامه داد: «رفت‌وآمد وزیر خارجه دولت روحانی با همراهی عراقچی و تخت‌روانچی به منتهن بیشتر شد و یکی از دلایل افزایش سفر آنها به نیویورک دیدار با ویلیام برنز، معاون وزیر خارجه

این کنفرانس شرکت‌های اروپایی را به تشدید همکاری تجاری با ایران فراخواند و گفت: «ما منتهای تلاش خود را به انجام می‌رسانیم تا ایران از برجام خارج نشود و سوده‌ای اقتصادی از این معامله کسب کند تا به نفع ملت ایران مورد استفاده قرار بگیرند. ما معتقدیم که این امر پاسخ‌گوی منافع امنیتی ما و کل جهان است».

مذاکرات با اروپا ادامه دارد

قبل از شروع دور جدید تحریم‌های آمریکا، مذاکرات ایران با اروپایی‌ها شروع شده بود. این مذاکرات منجر شد تا هم‌زمان با شروع دور اول تحریم‌های آمریکا علیه ایران، موگرینی و وزرای خارجه ترکونیکا بیانیه‌ای صادر کنند. بیانیه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با وزرای خارجه فرانسه، آلمان و انگلیس از اجرایی‌شدن نسخه به‌روزشده قوانین مسدوساز تحریمی، برای مقابله با این تحریم‌ها خبر داد. همچنین در این بیانیه از ایران خواسته شده بود به تعهدات خود در چارچوب برجام ادامه دهد. در این بیانیه آمده بود: «ما مصمم هستیم تا از فعالان اقتصادی اروپایی که در حال انجام تجارت قانونی با ایران هستند محافظت کنیم». همچنین در این بیانیه تأکید شده بود که اعضای باقی‌مانده برجام همچنان به حفظ کانال‌های ارتباطی مؤثر با ایران برای استمرار صادرات نفت و گاز پایبند هستند. البته تحریم‌های نفتی آمریکا شامل دور دوم تحریم‌های یک‌جانبه این کشور علیه ایران می‌شود که از آبان‌ماه سال جاری آغاز خواهد شد. در این شرایط مذاکرات ایران با طرف‌های اروپایی برجام ادامه دارد و این کشورها همچنان از ایران و ادامه تجارت شرکت‌های اروپایی با ایران حمایت می‌کنند.

مقاله‌ای از وندی شرمن، مذاکره‌کننده ارشد آمریکا در جریان برجام

چگونه با ایران به توافق رسیدیم

و جک سالیوان، مدیر سابق حوزه تعیین سیاست در زمان حضور هیلاری کلینتون در وزارت خارجه آمریکا بود که آن زمان به‌عنوان مشاور امنیت ملی جو بایدن فعالیت می‌کرد. برنز و سالیوان با همراهی تیمی از مذاکره‌کنندگان آمریکایی در چند ماه با عراقچی و تخت‌روانچی در عمان دیدار و مذاکره داشتند. این اولین مذاکره مقام‌های رسمی ایران و آمریکا پس از سقوط شاه ایران بود».

او به مذاکرات عمان اشاره داشته و گفته که «در سال ۲۰۱۲ قاپوس بن سعید، پادشاه عمان، به جان کری، سناتور آمریکایی و رئیس وقت کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، پیشنهاد میانجیگری برای بهبود رابطه ایالات متحده و ایران را ارائه کرد. پس‌ازآن کری چند بار به عمان سفر کرد تا اطمینان یابد که پادشاه عمان می‌تواند میان مقام‌های آمریکایی و تصمیم‌گیرندگان در ایران از جمله رهبر این کشور کانال ارتباطی ایجاد کند. پس از سفرهای کری، این کار نوبت سالیوان بود تا به عمان سفر کند. او به همراه پوینت التوار، متخصص امور خاورمیانه کاخ سفید، به این کشور سفر و با مقام‌های ایرانی دیدار کرد. آنها در بازگشت به آمریکا به اوباما و هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت، اطلاع دادند که ایرانی‌ها برای مذاکره با آمریکا جدیت دارند».

او افزود: «اکنون نوبت برنز بود تا من را به‌عنوان معاون وزیر خارجه و سرپرست مذاکره‌کنندگان به عراقچی و تخت‌روانچی معرفی کند. به‌این‌ترتیب چهره و نام مقام‌های ایرانی و آمریکایی مذاکره‌کننده نمایان شد. آنها از من خواستند تا انتخاب روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور را به‌عنوان نشانه‌ای مثبت در نظر بگیرم. انتخاب روحانی ان‌رژمی مضاعفی به ما مذاکره‌کنندگان پشت پرده داد. همچنین در رویکرد دولت ایالات متحده در قبال ایران تغییراتی اساسی را شاهد بودیم. از سال ۲۰۰۳ که مشخص شد ایران در حال غنی‌سازی اورانیوم است، واشنگتن تأکید داشت که ایران باید به طور کامل عملیات غنی‌سازی اورانیوم را تعطیل کند. درحالی‌که مقام‌های ایران تأکید داشتند که غنی‌سازی اورانیوم را با هدف استفاده غیرنظامی انجام می‌دهند و این حق طبیعی آنها برای چنین کاری به شمار می‌آید. آنها تأکید داشتند که با این کار هیچ معاهده بین‌المللی‌ای را نقض نکرده‌اند».

شرمن نوشته که «اما این بار اوباما رویکرد متفاوتی در مقایسه با جورج بوش در پیش گرفت و اعلام کرد که ایران به شرط انجام نظارت‌ها و بازرسی‌های سخت، مجاز است به میزان محدودی اورانیوم غنی‌سازی کند. این خواسته را مدت‌ها متحدان اروپایی واشنگتن مطرح می‌کردند؛ اما آمریکا با آن موافقت نمی‌کرد. اوباما عقب‌نشینی‌های زیادی کرد؛ اما واقع‌بین بود و می‌خواست با ایران به توافق دست یابد. ایرانی‌ها به علم و دانش غنی‌سازی دست یافته بودند و بدون توجه به خواست ایالات متحده آمریکا قادر بودند برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم خود را ادامه دهند. به‌همین‌دلیل تأکید بر تعطیلی کامل برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم ایرانی می‌داد تا به جهان بگویند که از حق خود برای استفاده صلح‌آمیز از برنامه هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم کوتاه نیامده‌اند و با تعلیق تحریم‌ها خود را پیروز بدانند. به‌همین‌دلیل از بین می‌برد. پیشنهاد واشنگتن این شانس را در اختیار ایالات متحده قرار می‌داد تا برنامه هسته‌ای ایران و عملیات غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران به محدود کند و هم‌زمان از نظر سیاسی این امکان را به مقام‌های ایرانی می‌داد تا به جهان بگویند که از حق خود برای استفاده صلح‌آمیز از برنامه هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم کوتاه نیامده‌اند و با تعلیق تحریم‌ها خود را پیروز بدانند. به‌همین‌دلیل از لحاظ استراتژیک آنها نمی‌توانستند پاسخ منفی به پیشنهاد اوباما بدهند و از نظر سیاسی هم این امکان برای آنها ایجاد شد تا با پیشنهاد موافقت به نیویورک دیدار با ویلیام برنز، معاون وزیر خارجه

ادامه از صفحه اول

«دیپلمات» یا «قصدپرداز»؟

۱) فارغ از قضاوت‌هایی که در سال‌های اخیر درباره شخصیت و عملکرد جناب آقای موسویان به‌ویژه در مذاکرات هسته‌ای با سه کشور اروپایی منجر به موافقت‌نامه سعدآباد، مطرح شده، و می‌شود، از دید من ایشان با سابقه‌مدید کار در سطوح عالی وزارت خارجه و شورای عالی امنیت ملی و با داشتن تجربه ریاست مأموریت دیپلماتیک (سفیر) ایران در آلمان و عضویت در هیئت مذاکره‌کننده هسته‌ای، دیپلماتی مبرز تلقی می‌شد. از همین‌رو با وجود مهارت به خارج نوعا نقطه‌نظرات و تحلیل‌های ایشان را ذی‌قیمت و درخور توجه می‌دانستیم؛ اما یادداشت اخیر ایشان که متضمن برخی قصدپردازی‌هاست، مرا و لابد بسیاری افراد دیگر را دچار حیرت و شگفتی کرد.

۲) در این یادداشت، تا آنجا که آقای موسویان به زعم خود در صد ارائه راهبرد به رئیس‌جمهور محترم است و پیشنهاد می‌کند که جناب آقای روحانی با تصمیم شورای امنیت ملی و تأیید مقام معظم رهبری به پیشنهاد مذاکره رئیس‌جمهور آمریکا پاسخ مثبت دهد، واجد ایرادی نیست. بخش اول یادداشت مبنی بر ضرورت مینا قرارگرفتن دیپلماسی به‌عنوان راهبرد حل بحران در روابط ایران و آمریکا و ترغیب رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به گفت‌وگوی مستقیم با ترامپ فی‌نفسه اشکالی ندارد.

تا اینجا یادداشت نظری مبنی بر تجویز راهبرد دیپلماسی و مذاکره که منطق و اقتضائات خاص خود را دارد، ارائه شده است و نظریه مذکور مانند هر نظریه دیگری قابل نقد و ارزیابی است و هرکس می‌تواند راهبرد تجویزی ایشان مبنی بر (پذیرش پیشنهاد مذاکره ترامپ) را نقد و با توجه به شرایط کشور مناسب یا نامناسب تشخیص دهد.

اما ادامه یادداشت مذکور آنجا که نویسنده پس از ارائه راهبرد پذیرش پیشنهاد مذاکره با آمریکا، بر اجرای «برنامه ایران‌شناسی» برای رئیس‌جمهور آمریکا، آن‌هم قبل از گفت‌وگوی کاری تأکید می‌کند، واجد اشکال و قابل‌تأمل است که از منظر سیاسی و دیپلماتیک ناموجه و بی‌ربط می‌نماید. ایده‌هایی که در عرصه دیپلماسی به‌عنوان عرصه واقعیات و مقدرات جایی ندارد و بیشتر به توهم و رؤیاپردازی می‌ماند.

۳) به آقای موسویان خاطر‌نشان می‌کنم این درست است که گفت‌وگو یا مذاکره رایج‌ترین، مناسب‌ترین و کارسازترین شیوه حل اختلافات بین‌المللی است و مذاکره از چنان اهمیتی برخوردار است که امروزه به‌طور عام و جهانی پذیرفته شده است اما درعین‌حال آنچه درخورتوجه می‌نماید، این است که در منظومه دیپلماسی مذکور، ساز یا گفت‌وگو واجد اصول، مبانی، منطق، روش، آیین و تشریفات خاص خود است و همین مؤلفه‌ها و عناصر است که «مذاکره» را از «مشورت»، «تبادل نظر» و «ملاقات» متمایز می‌کند و این همان چیزی است که نویسنده در این یادداشت عامندانه یا سهواً آن را نادیده گرفته است.

۴) صرف‌نظر از مسائل شکلی مانند «مکان مذاکره» که با فرض انجام مذاکره در تهران محل مناقشه نیست؛ مذاکره اگر قرار باشد در «سطح سران» انجام شود، مبتنی بر چارچوب خاص و برنامه یا دستوری مورد توافق و از قبل معلوم و البته محدود به زمان می‌باشد، باوجوداین پیشنهاد «برنامه ایران‌شناسی» برای رئیس‌جمهور آمریکا حتی با اینکه از نقطه نظر احساسی و عاطفی تحریک عرق ملی موجه می‌نماید اما از منظر سیاسی و دیپلماتیک فاقد مبنا، غیرمنطقی، ناموجه، غیرممکن و نشدنی است، ارائه چنین پیشنهادی از سوی دیپلماتی برجسته بعید است.

حتما ایشان التفات دارند تجویز دیپلماسی و مذاکره به‌عنوان راهبرد حل یک مسئله یا مشکل در روابط خارجی مستلزم تمهید و لحاظ‌کردن شرایطی است که به آغاز مذاکره بینجامد. به‌عبارتی راهبرد مذاکره وقتی مؤثر و کارساز خواهد بود که مبتنی و دربردارنده شرایطی باشد که طرفین اختلاف را به آغاز مذاکره ترغیب و گفت‌وگو را ممکن کند؛ وگرنه راهبرد ابتر خواهد شد.

حال سؤال این است که آیا پیشنهاد مذاکره با آمریکا در غین پیش‌بینی «برنامه ایران‌شناسی» قبل از گفت‌وگو برای رئیس‌جمهور آمریکا به شرح مذکور اصولاً می‌تواند به آغاز مذاکره در رئیس‌جمهور بینجامد و آن را تسهیل کند یا نه؟ آیا در عالم واقعیت چنین امری ممکن و محتمل است؟

۵) از جمله اصول و مبانی مذاکره «شناسایی و احترام متقابل» و «گفت‌وگو از موضع برابر» است. پیشنهاد «برنامه ایران‌شناسی» برای رئیس‌جمهور آمریکا قبل از گفت‌وگوی کاری، به‌جز آنکه یک «پیش‌شرط» است، تلویحا متضمن توهین به طرف مقابل و مفروض‌گرفتن دیپلماسی در مفهوم جدید نیست.